ادامه از صفحه اول

بدا به حال مسببان!

آنان تلاش می‌کنند تا با احیای نسخه‌ای از ناسیونالیسم ایرانی و تکیه بر میراثِ دوران باستان روایتی تاریخی از گذشته‌ای شکوهمند بسازند؛ سلطنت‌طلبان با درک فقدانِ فرمول سیاسی می‌خواهند رویکرد خود به سیاست را در جامعه فرموله کنند؛ اگرچه پیش‌تر احمدی‌نژاد و یارانش با روایت دیگری دست به این کار زدند. آنان بسیار تلاش کردند تا از رجعت به ناسیونالیسم و شکوه تاریخ ایران باستان استفاده تاکتیکی کنند و به سیاست بازگردند که با انتقادات شدیدی روبه‌رو شدند و بنیان دولت خود را بر باد دادند. اینک دولت و مجلس و جناح‌های سیاسی در بزنگاه حساسی قرار دارند و اگر نتوانند روایت تازه‌ای از سیاست خلق و آن را فرموله کنند، جای آن را ایده‌های دیگری خواهند گرفت و آنچه شرایط را خطرناک می‌کند، جاافتادنِ ایده‌هایی است که دست بالا را دارند و به‌تمامی ارتجاعی‌اند.

بهبود حکمروایی شهری آغاز یک راه ناتمام

علاوه بر شهروندان تهرانی، اندیشمندان و پژوهشگران در مطالعات علمی خود و نیز درباره شهر تهران همان مسائلی را که عموم شهروندان بیان می‌کردند، به‌منزله مسائل اصلی شهر اعلام کردند.خبرگان و کارشناسان مدیریت شهری در تهران هم ضمن تأکید چندین‌باره بر همین مسائل، مالیه شهری ناپایدار، ناعادلانه و فسادبرانگیز و نیز اقتصاد توسعه‌نیافته و سنتی شهر تهران را از مسائل اصلی این کلان‌شهر برشمرده‌اند. گزارش تحویل و تحول شهرداری تهران در دی ۹۶، نشان داد شهرداری تهران با حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان تعهد (۵۲ هزار میلیاردتومان بدهی و حدود ۳۵ هزار تومان پروژه عمرانی ناتمام) مواجه است که در افق پنج‌سال آینده خوش‌بینانه به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید. علاوه بر این، سازمان شهرداری با دست‌کم ۲۵ هزار نفر نیروی انسانی مازاد و ساختار سازمانی بسیار گسترده و ناکارآمد، غیرخلاق و ناآشنا با لوازم مدیریت شهری جدید و بیگانه با روش‌های نوین تأمین مالی، مصرف‌کننده اصلی درآمدهای شهری است و متأسفانه در نگاه شهروندان با برند فساد اداری شناخته شده است. اما و هزار اما در علت‌یابی مسائل امروز و فردای شهر و شهرداری تهران یک عامل بنیادین شناخته شد و آن شیوه بسیار بد حکمروایی شهری در گذشته است که شوربختانه روزبه‌روز بدتر و بدتر شده است. بنیان این ساختار کژکارکرد بر شهرفروشی و تخلفات ساخت‌وساز و تعلیق قانون و زیرپاگذاشتن طرح‌های شهری مصوب گذاشته شد و برای تأمین مالی بیشتر، هر روز فضای گسترده‌تری از باغ‌ها و پارک‌ها و گذرگاه‌های شهر فروخته و تخلفات عمده‌تری به رسمیت شناخته شد تا مجاری رفت‌وآمد روزبه‌روز کوچک‌تر و شلوغ‌تر، محله‌ها و مردم ناشناخته‌تر و باهم بیگانه‌تر و به یکدیگر بی‌تفاوت‌تر و فرصت‌های زندگی و بلکه روزنه‌های تنفس روزبه‌روز تنگ‌تر شد. بی‌تردید همه اینها و بخش بزرگ‌تری که گفته نشد، پیامد حکمروایی به‌شدت غیرمشارکتی و بوروکراتیک در شهر تهران و غالب کلان‌شهرها بود؛ پنهان‌کاری و رویه‌های غیرشفاف در تصمیم‌گیری، انتخاب خودمحور سیاست‌ها و طرح‌ها و پروژه‌ها، بی‌آنکه نسبت آنها با مسائل روزمره شهر و زندگی شهروندان روشن باشد و بی‌آنکه آثار و پیامدهای کوتاه، بلندمدت و پردامنه‌شان بر زندگی مردم و زیست جمعی آنان ارزیابی شده باشد و نیز تخصیص پنهان منابع محدود شهری برای جلب رضایت گروه یا گروه‌های خاص بی‌آنکه کسی در برابر این بنای خراب مسئولیتی بپذیرد و پاسخ‌گوی مردم باشد، هر روز کامیابی‌ها و دستاوردهای خودساخته را با رنگ و لعاب فریبنده‌تر و پرطمطراق‌تر به نمایش گذاشت. سال‌های طولانی چشم و گوش مردم از اداره شهر و آگاهی و نظارت بر شیوه‌ها و چندوچون درآمدها و هزینه‌های شهر و فرایندهای تصمیم‌گیری‌های مهم و انتخاب پیمانکاران و شرکای اصلی مالی و عملیاتی شهرداری دور نگه داشته شد. خودروها بر انسان‌ها و سازه‌ها و ساخت‌وسازها بر سازوکارها و کارگاه‌ها بر فضاهای زیست جمعی ارجحیت یافتند. منابعی که باید برای توسعه مترو و شبکه‌های حمل‌ونقل همگانی، نوسازی اتوبوس‌های فرسوده و به‌شدت دودزا هزینه می‌شد، برای ایجاد پل‌ها و بزرگراه‌های غیراولویت‌دار و ترافیک‌زا صرف شد. دارایی‌های عمومی شهر از فرهنگ‌سراها، سینماها، ورزشگاه‌ها و خانه‌های فرهنگ گرفته تا میراث تاریخی، باغ‌ها، املاک و مستغلات متعلق به همه شهروندان با سخاوت تمام و بهای نزدیک به رایگان به خویشان و گروه‌های همسو و همسود واگذار شد تا زمینه بقا، تداوم و جهش در موقعیت حکمرانی‌شان را فراهم کنند. طرفه آنکه مسئله تهران از سوی همین عاملان خرابی، واژگونه همچنان بزرگراه و پل و ساخت‌وساز جلوه داده می‌شد و آینده موهوم آبادانی، رونق، فراوانی و اشتغال خارج از وصف و رفاه ناکجاآبادی به مردم فروخته می‌شد. اما مردم با هوشمندی بزرگ در بزنگاه تاریخی دریافته‌اند و دانسته‌اند حل مسائل امروز و فردای شهر فقط و فقط در سایه یک دستاورد بزرگ مدنی و تاریخی است که باید به‌تدریج فراهم و گسترانده شود: حکمروایی شهری مبتنی بر مشارکت مستمر و چندبعدی، شفافیت فراگیر و حداکثری، عدالت و برابری‌خواهی چندوجهی و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مدیران شهری. این البته آزمونی بزرگ فراروی برگزیدگان مردم است، باشد که سربلند درآییم.

گزارش «شرق» از تبعات سیاست پیش‌فروش سکه در آستانه تحریم‌ها

رانت میلیاردی حراج طلا

عکس: مهر

شرق: حراج سکه در قالب پیش‌فروش از سوی بانک مرکزی آن هم در آستانه تحریم‌ها، التهابی در بازار به راه انداخت که فقط بخش مشخصی از اقتصاد بی‌نظارت ایران، سودهای کلان به جیب زدند. درحالی‌که از سوی کارشناسان پیش‌فروش سکه، سیاستی اشتباه برای فروش ذخایر ملی کشور محسوب می‌شود، اکنون و پس از دستگیرشدن سلطان سکه، دوباره به یک دغدغه مهم در اقتصاد ایران بدل شده است. دراین‌بین طرحی از سوی مجلس در قالب «اوراق سکه» مطرح شده است که آن نیز از دید کارشناسان، اقدامی به‌مراتب خطرناک برای اقتصاد خواهد بود؛ زیرا براساس اقتصاد مبتنی بر بدهی، احتمال اینکه اوراق فراتر از ذخایر بانک مرکزی منتشر شود، بسیار زیاد است و آینده ذخایر ملی را با خطر جدی مواجه خواهد کرد. دراین‌میان احمد توکلی، رئیس هیئت‌مدیره سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت، در این زمینه نوشت: «بانک ملی درحالی‌که می‌دانست ۱۴ مرداد تحریم‌ها تشدید می‌شود و از طریق مجرای سامانه‌ای قادر به تجارت طلا و دلار نخواهیم بود، ۲۰ میلیارد دلار و ۶۲ تُن طلا را حراج کرد». او همچنین مدعی شده: «برخی رسانه‌ها این شفافیت را تقویت و برخی رسانه‌ها از بانک مرکزی دفاع کردند؛ چراکه بانک مرکزی در نشست‌ها به برخی خبرنگاران سکه هدیه می‌دهد و امکان مسافرت‌های خارجی هم برای آنها ایجاد می‌کند». این در حالی است که براساس پژوهش‌هایی که یکی از کارشناسان در اختیار «شرق» قرار داده، در شرایط التهاب‌آلود بازار کاذب طلا و سکه، صنف طلاسازان و طلافروشان بدون اینکه دغدغه مالیاتی داشته باشند، در یک سال گذشته، بیش از ۱۶ هزار میلیارد تومان سود بردند.

سود ۱۶ هزار میلیاردتومانی طلافروشان در یک سال

پرویز بابایی، پژوهشگر اقتصادی دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: درحالی‌که مردم ایران به صورت لحظه‌ای شاهد آب‌رفتن دارایی‌ها و کاهش ارزش پول و قدرت خریدشان هستند، صنف طلاساز و طلافروش در سایه سکوت مدیران دولتی و سازمان امور مالیاتی، با ثبت قیمت‌های نجومی و بالابردن قیمت طلا در حال چند برابر کردن ثروت خود هستند و در یک سال گذشته با رشد قیمت طلا از ۱۲۰ هزار تومان در هر گرم تا ۲۹۵ هزار تومان فعلی نزدیک به ۱۴۵ درصد افزایش دارایی و ۱۶هزارو ۲۴۰ میلیارد تومان سود داشته‌اند.

به گفته او درحال‌حاضر حدود ۴۰۰ تُن طلا از سوی خانواده‌ها ذخیره شده، ذخایر طلای بانک مرکزی تقریبا ۲۰۰ تُن و موجودی طلاسازان و طلافروشان کشور حداقل ۸۰ تُن است که از این ارقام سالانه نزدیک به ۱۶۰ تا ۲۰۰ تُن، خریدوفروش صورت می‌گیرد. بابایی در توضیح این تحلیل خود می‌افزاید: نزدیک به هشت هزار طلاساز و طلافروش در کشور فعالیت دارند. در یک سال گذشته قیمت طلا از ۱۲۰ هزار تومان در هر گرم به ۲۹۵ هزار تومان رسیده و از این طریق ثروت و دارایی طلافروشان با ۸۰ تُن موجودی طلا به غیر از سود حاصل از خریدوفروش طلا با رشد ۱۴۵درصدی به بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان رسیده است و سود ۱۴ هزار میلیاردتومانی نصیب‌شان شده است. او ادامه می‌دهد: علاوه‌براین در یک سال گذشته حداقل ۱۶۰ تا ۲۰۰ تُن خریدوفروش طلا صورت گرفته که با فرض میانگین قیمت ۱۶۰ هزارتومانی هر گرم طلا در سال، حجم فروش طلا نزدیک به ۳۲ هزار میلیارد تومان بوده که با سود حداقل هفت‌درصدی بیش از دوهزارو ۲۴۰ میلیارد تومان سود نصیب طلافروشان خودمختار و نرخ‌ساز کشور شده است.

این پژوهشگر در یک جمع‌بندی توضیح می‌دهد: با جمع دو رقم فوق، طلافروشان کشور در یک سال گذشته بیش از ۱۶هزارو ۲۴۰ میلیارد تومان سود حاصل کرده‌اند و کمتر از ۴۰ میلیارد تومان مالیات پرداخت کرده‌اند؛ درحالی‌که مالیات واقعی آنها بین ۵۶۰ تا سه‌هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان است که در سایه بی‌کفایتی سازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی که هنوز بعد از دو سال گردش حساب‌های بانکی اشخاص را به سازمان امور مالیاتی تحویل نداده است، این حجم از بیت‌المال نصیب صنفی شده که هر لحظه با قیمت‌سازی و انگیزه فعالیت اقتصادی را از مردم سلب کرده است.

حراج ثروت ملی با یک تحلیل اشتباه

وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان، در تحلیل درستی یا نادرستی پیش‌فروش سکه به «شرق» می‌گوید: پیش‌فروش سکه چه به صورت سکه واقعی و چه به‌صورت اوراق، نوعی تاراج‌زدن به ثروت ملی است. این سیاست اشتباهی بود که بانک مرکزی در پیش گرفت و روزی باید مسئولان بانک مرکزی در قبال این اشتباه پاسخ‌گو باشند. مسئولان بانک مرکزی باید پاسخ‌گو باشند که با چه اختیاری بالغ بر هفت‌میلیون و ۶۰۰ هزار سکه را پیش‌فروش کرده‌اند. این اقتصاددان در توضیح نادرستی این التهاب می‌گوید: افزایش قیمت سکه و نوسانات آن، هیچ ارتباطی به مکانیسم عرضه و تقاضا نداشت. به عبارتی صرفا تحلیل اشتباهی بود که در بانک مرکزی صورت گرفت. در شرایطی که اقتصاد پیش‌بینی‌ناپذیر است، التهاب بازار و نااطمینانی از آینده وجود دارد، مردم برای حفظ قدرت خرید خود قطعا دست به خرید کالاهایی می‌زنند که بتواند این قدرت خرید را حفظ کند. زمانی شرایط به نحوی است که با عرضه بیشتر می‌توانید جلوی تقاضای مازاد و کاذب را بگیرید؛ به عبارتی بازار حاکم است، اما با توجه به حجم عظیم نقدینگی، دیگر مکانیسم بازار کار نمی‌کند. این را به خوبی می‌توانستیم در زمان‌های اعلام پیش‌فروش سکه ببینیم؛ زیرا التهاب بازار به‌جای کنترل آن بیشتر می‌شد که نشان از وجود نقدینگی و تلاش مردم برای حفظ قدرت خرید داشت. به گفته او، این نگرش اشتباه چه با پیش‌فروش سکه و چه تعهدی که بانک مرکزی در قالب اوراق سکه ایجاد کند، باز هم با دست‌به‌دست‌شدن، معادل سکه عمل می‌کند و حتی می‌تواند خطرناک‌تر باشد؛ زیرا می‌تواند مانند اوراق بدهی بانک مرکزی را به چاپ بیشتر اوراق بیش از ذخایر عادت دهد.

شقاقی‌شهری با بیان اینکه پیش‌فروش سکه هیچ منطق و مبنای اقتصادی و علمی نداشت، می‌افزاید: این‌گونه اقدامات در شرایط کنونی هیچ تأثیری روی فروکش‌کردن تقاضای کاذب در بازار نخواهد داشت؛ زیرا این تقاضا از قِبَل نااطمینانی در اقتصاد ایجاد شده و نه مکانیسم بازار. بنابراین هرگونه دست‌کاری در این روند، التهاب در بازار را بیشتر می‌کند و حتی انتشار اوراق می‌تواند شرایط را به‌مراتب بدتر کند.

به گفته او، در شرایط کنونی بهترین کار توقف طرح پیش‌فروش سکه به صورت کامل است.

زیان نبود مالیات بر عائدی

این اقتصاددان همچنین با نقد دریافت‌نکردن مالیات از سودهای کلان حاصل از خرید و فروش ارز و طلا در بازارهای ملتهب کنونی، می‌گوید: نبود یک اقتصاد شفاف و نبود ابزارهای کنترلی به این سوداگری دامن زد. سوداگری در بازار سکه، دلار، خودرو و برخی بازارهای دیگر رخ داد و در آن هزاران میلیارد تومان سودهای حاصل از نوسانات قیمت را شاهدیم که یکی از آنها بازار طلافروشان بود. در این صنف، سودهای کلانی نصیب این بخش شد که مالیات از آن دریافت نمی‌شود.

او در ادامه می‌افزاید: اگر ابزارهای کنترلی مثل ابزار مالیاتی بر سودهای مازاد وجود داشت، خود می‌توانست تبدیل به یک ابزار برای کنترل سوداگری باشد، اما چنین نشد.شقاقی‌شهری با بیان اینکه قیمت هر گرم طلا در شش ماه تا ۳۰۰ هزار تومان هم رفت، می‌گوید: متأسفانه دریافت‌نکردن مالیات از عائدی سرمایه به دلیل ضعف و نبود پایه مالیاتی، سبب شد نتوانیم از این التهابات در بازار مالیات کسب کنیم و آنها را به کنترل درآوریم. این اقدام می‌توانست از تجمع ثروت جلوگیری کند، اما نبود پایه مالیاتی سبب شد بالغ بر ۱۶هزار میلیارد تومانی در عرض یک سال نصیب صنف طلافروشان شود و مالیات معقولی هم از آن دریافت نشود.

او با بیان اینکه در لیبرال‌ترین اقتصادهای دنیا نیز مالیات بر ثروت گرفته می‌شود، می‌گوید: اصولا پایه مالیاتی در ایران به‌شدت ناقص است و باید فکری به حال آن کرد.

«شرق» از ریال ارزان و حضور گسترده همسایگان در ایران گزارش می‌دهد

گرفتاری جدید مردم خوزستان

لیلا مرگن: «عراقی‌ها هرچیزی دم دستشان باشد می‌خرند. برنج، مرغ، گوشت و ماهی اقلام مورد نیاز آنهاست که از بازار خریداری می‌کنند و صاحبان سوپرمارکت‌ها برای اینکه با دلار معامله کنند، از عرضه اقلام به مردم بومی خودداری می‌کنند»؛ این جمله و جملات مشابه در حاشیه اروندکنار از زبان مردم محلی بارها شنیده می‌شود. با سقوط قیمت ریال در برابر دلار، حضور گردشگران عراقی در منطقه آزاد اروندکنار توسعه پیدا کرده و این گردشگران گاهی از بازارهای آبادان هم سر درمی‌آورند. گردشگران عراقی‌ها دیگر به سوپرمارکت‌های سر کوچه خود سر نمی‌زنند.

آخر هفته‌ها پس از گشت‌وگذار در خوزستان، سوپرمارکت‌های حاشیه اروندکنار را جارو می‌کنند و با خود به عراق می‌برند. آمار دقیقی از اقلامی که در قالب تجارت چمدانی از ایران خارج می‌شوند، در دسترس نیست، اما آنچه در این قالب از مرزها بیرون می‌رود، همان مایحتاج زندگی روزمره مردم است که با ارائه یارانه‌های مختلف از سوی دولت ایران به بخش تولید و از محل فروش نفت به‌عنوان ذخایر بین نسلی تولید شده است و معلوم نیست این شیوه تجارت، چقدر بر بهبود زندگی مردم منطقه تأثیر می‌گذارد، اما آنچه مردم درحال‌حاضر حس می‌کنند، کمبود مواد غذایی پروتئینی به‌دلیل طمع برخی فروشندگان کالاست که نمی‌خواهند به مشتریان عرب خود «نه» بگویند. مردم آبادان و حاشیه اروندکنار بر این باورند که سوغات حضور گسترده عراقی‌ها در بازار ایران، گرانی و کمبود مواد غذایی است، اما برخی فعالان اقتصادی و مسئولان، این گفته‌ها را جریان‌سازی می‌دانند و می‌گویند توریست‌های عراقی باعث رونق تجاری منطقه شده‌اند.

شرایط این روزهای خوزستان به‌ویژه شهرهای آبادان و خرمشهر چندان مطلوب نیست. از یک سو آب بهمن‌شیر به‌دلیل کاهش آورد رودخانه، شور شده و نخلستان‌هایی که محل کسب‌وکار مردم بومی بوده‌اند، به‌شدت آسیب دیده‌اند و از سوی دیگر سقوط ارزش ریال در برابر دلار و هجوم گردشگران کشور همسایه، بلای جان مردم بومی ساکن حاشیه اروندرود و حتی آبادان شده است. روزهای منتهی به آخر هفته، منطقه آزاد اروندکنار شاهد حضور گسترده گردشگران عراقی است.

در رستوران‌ها، سوپرمارکت‌ها و بسیاری از مراکز خرید خانواده‌های عراقی را می‌توان دید که علاوه بر گشت‌وگذار و استفاده از خدمات داخل مرزهای ایران، اقدام به خرید اقلام و مواد غذایی مورد نیاز خود می‌کنند؛ اما ساکنان حاشیه اروندرود از حضور این میهمانان خشنود نیستند. آنها از تفاوت قوانین در دو سوی مرز گله دارند. یکی از لنج‌داران منطقه اروندکنار به خبرنگار «شرق» می‌گوید: چرا وقتی ایرانیان بدون گذرنامه در عراق بازداشت می‌شوند، چهار ماه باید در زندان بمانند، اما عراقی‌ها بدون گذرنامه در خاک ایران تردد می‌کنند و حتی پس از سه روز حضور در ایران هم بازداشت نمی‌شوند؟

مردم جنوب غرب خوزستان از حضور عراقی‌ها در محل سکونت خود چندان خرسند نیستند، زیرا دیگر در مراکز عرضه به‌راحتی گوشت قرمز، مرغ و ماهی پیدا نمی‌کنند.

قیمت‌های این مواد برای آنها افزایش یافته است و صاحبان سوپرمارکت‌ها از عرضه محصولات پروتئینی به هم‌وطنان، خودداری می‌کنند. ساکنان حاشیه نهرهای منتهی به اروندکنار که شوری آب دام‌هایشان را کور کرده و مزارعشان را خشکانده است، نه‌تنها برای کسب درآمد با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند، بلکه برای تهیه مایحتاج زندگی خود، این روزها دچار دردسر شده‌اند.

به گفته مردم محلی، مسئولان اعلام کرده‌اند با هر نوع کم‌فروشی مراکز عرضه برخورد خواهد شد، اما «محمد»، یکی از ساکنان آبادان که در حاشیه اروندکنار سبزی و صیفی کشت می‌کند، به «شرق» می‌گوید: وقتی تخلفات واحدهای فروش را به شماره تلفن اعلام‌شده گزارش می‌کنیم، دو روز طول می‌کشد که به محل گزارش‌شده مراجعه کنند. بعد از مراجعه هم اقدام خاصی انجام نمی‌شود و ما تغییری حس نمی‌کنیم.

او اضافه می‌کند: مغازه‌داران دوست ندارند مرغ و سایر اقلام پروتئینی را به ما بفروشند. آنها محصولاتشان را به‌صورت دلاری به عراقی‌ها می‌فروشند. تمام روزهای تعطیل، رستوران‌های منطقه پر از عراقی است و جایی برای ما نمی‌ماند. عراقی‌ها ماشین خود را پر از مواد غذایی می‌کنند و به کشورشان بازمی‌گردند. خریدهای آنها باعث شده است با کمبود مواد غذایی روبه‌رو شویم و قیمت محصولات پروتئینی در اروندکنار افزایش یابد.

ایجاد مشکل برای قشر آسیب‌پذیر

عامر کعبی، نماینده مردم آبادان نیز در گفت‌وگو با «شرق» فشار بر برخی از افراد قشر آسیب‌پذیر در حاشیه اروندکنار را تأیید می‌کند.

او می‌گوید: درحال‌حاضر در آبادان و در اروند، قوانین منطقه آزاد حاکم شده است و ورود اتباع خارجی در منطقه آزاد اروند ممنوعیت ندارد، به‌همین‌دلیل شهر از لحاظ گردش مالی وضعیت خوبی پیدا کرده و این رویه رونق اقتصادی در شهر به وجود آورده، اما گرانی در برخی کالاها ایجاد کرده است.

کعبی ادامه می‌دهد: در واقع حضور اتباع خارجی در بازارهای ایران برای قسمتی از مردم آسیب‌پذیر مشکل ایجاد کرده است.

به گفته کعبی، قیمت برخی اقلام به دلیل حضور عراقی‌ها در ایران بالا رفته است و این مسئله بر قشر آسیب‌پذیر تأثیر گذاشته، اما این حضور برای اصناف خیلی خوب بوده است و رشد کرده‌اند. در حوزه اشتغال، وضعیت بسیار خوبی ایجاد شده و فرصت‌های شغلی جدیدی در منطقه به وجود آمده است.

او اضافه می‌کند: در بخش خدمات، بازار و تجارت، در منطقه آزاد اروندکنار شاهد رشد بوده‌ایم و رکودی که در بازار آبادان در گذشته و قبل از اجرای مصوبه شورای عالی مناطق آزاد وجود داشت و حتی در حال حاضر در بازارهای مجاور نیز مشاهده می‌شود، از بین رفته است.

نماینده مردم آبادان با اشاره به شورشدن آب رودخانه بهمنشیر و تأثیر آن بر کشاورزی و کاهش ذخایر ماهیان، کشاورزان را جزء اقشار آسیب‌پذیر معرفی می‌کند.

رونق اقتصادی منطقه با حضور توریست‌های عراقی

با وجود آنکه مردم بومی حضور توریست‌های عراقی را عاملی برای ایجاد گرانی در منطقه و کمبود ارزاق عمومی می‌دانند، اما سیدحمید حسینی، دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق، حضور توریست‌های عراقی در ایران را عامل رشد اقتصادی منطقه اعلام می‌کند و بر این باور است که این رویه باید حفظ شود. او تأکید می‌کند: ما نباید اجازه دهیم علیه حضور توریست‌های عراقی در این منطقه فضاسازی شود؛ زیرا ورود این افراد باعث رونق اقتصادی در مناطق خرمشهر و آبادان شده است.

این فعال بازرگانی به فارس می‌گوید: در چهارماهه ابتدای امسال، بیش از ۲.۵ میلیارد دلار کالا به عراق صادر شده است، در سال گذشته حداکثر صادرات روزانه ما به عراق رقمی بین ۲۵ تا ۲۶ میلیون دلار بود، اما امسال میزان صادرات روزانه ما به عراق افزایش یافته است.

به گفته حسینی، از ابتدای امسال تاکنون ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیون دلار شکلات به عراق صادر شده است و این شائبه وجود دارد که بخشی از ارز این کالا چهارهزارو ۲۰۰ تومانی بوده و به همین دلیل صادرات آن توجیه اقتصادی داشته است. حدود ۴۵۰ میلیون دلار نیز انواع فلزات به عراق صادر شده است.

گزارش‌هایی از سوی مردم محلی درباره کمبود روغن در بازارهای خوزستان به دلیل حضور عراقی‌ها وجود دارد، اما او بیان می‌کند: در بازار روغن عراق حضور نداریم، اما بعضی کالاها به عراق صادر می‌شود که در تولید آن از روغن استفاده شده است.

به اعتقاد دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق، دولت باید با توجه به نیازهای داخلی با مدیریت صادرات به عراق، مانع فضاسازی علیه صادرات شود.

او درباره مزیت‌های تجارت با عراقی‌ها می‌گوید: متوسط یک تن کالای صادراتی ایران به بازارهای دنیا ۳۵۰ دلار است و متوسط یک تن کالای صادراتی ایران به عراق ۵۰۰ دلار است و دلیل آن هم این است که عمده کالاهایی که به عراق صادر می‌شوند، جزء کالاهای ساخته‌شده‌اند و مواد معدنی و خام به این کشور صادر نمی‌شود.

به باور حسینی، کالاهای صادراتی به عراق ارزش افزوده بالایی داشته و مردم عراق به مصرف کالاهای ایرانی گرایش دارند. بنابراین او امیدوار است با فضای مثبتی که در عراق به نفع ایران ایجاد شده است، با عرضه کالاهای خوب ایرانی و ارائه خدمات مناسب به توریست‌های عراقی در ایران و همچنین توسعه توریسم‌درمانی، روند تجارت با عراق بهبود یابد.

آن‌طور که دبیرکل اتاق مشترک ایران و عراق اعلام می‌کند: روزانه هفت هزار نفر از عراق به منطقه اروندکنار وارد می‌شوند و هر توریست عراقی حداقل ۵۵۰ دلار به ایران وارد می‌کند.

خبر

جناب رئیس جمهور، رؤسای قوای مقننه و قضائیه، چرا این‌طور شد؟

مراد راهداری
عضو هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور

● این روزها پیوسته می‌پرسند چرا اقتصاد کشور این‌طور نابهنجار شد؟ برای پاسخ به این سؤالات و رفع توهم پیش‌آمده، کیفیت کارکرد دستگاه‌های حاکمیتی در سه قوه را تجزیه و تحلیل کرده‌ایم تا بتوانیم اوضاع نابهنجار امروز را که کاردستی آنهاست، ریشه‌یابی کنیم. علم اقتصاد، علم مطالعه رفتارهاست. علوم اجتماعی اساسا علوم رفتارشناسی هستند؛ اعم از جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و نظایر اینها. مثلا اقتصاددان‌ها عوامل مؤثر بر رفتارهای افراد، بنگاه‌ها و جامعه را مطالعه می‌کنند تا با شناخت این عوامل، بتوانند رفتارها را آن‌طور که ترجیح علمی (اقتصاد اثباتی) و ارزشی (اقتصاد دستوری) می‌دهند، تحت تأثیر قرار دهند. چه اندازه حاکمیت ما توانسته است رفتارهای خرد و کلان را به سوی اهداف مدنظر هدایت کند؛ همان اهدافی که حداقل در برنامه‌های پنج‌ساله و چشم‌انداز ۲۰ساله تعریف شده بودند؟!قبل از پرداختن از این زاویه، لازم است اشاره شود که توضیح این یادداشت از منظر درون‌گرایی است. راقم این سطور می‌داند در شرایط تحریم اقتصادی هستیم و تحریم نوعی جنگ و ستیز است و هدف طرف یا طرف‌های مقابل، به‌زانودرآوردن و براندازی حاکمیت ماست؛ چون ارزش‌های کارکرد ما مغایر با کارکرد آنهاست. این رویکرد آنها مسبوق به سابقه است؛ دولت مصدق را با تحریم برانداختند. بخش درخور توجهی از شرایطی که امروز در آن هستیم، نتیجه فشار تحریم‌هاست، اما نباید از مسائل و عوامل داخلی نیز غفلت کرد؛ چرا در اجرای اقتصاد مقاومتی ناموفق بوده‌ایم؟! چرا وقتی دلار درصد ناچیزی تغییر بها می‌دهد، اقتصاد ما می‌لرزد؟ این وابستگی چرا این اندازه بالاست؟! اینجا با نگاه به مسائل داخلی می‌خواهیم به موضوع بپردازیم، نه با نگاه به عوامل بیرونی. اگر عوامل داخلی قوی باشند (اَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّة، انفال/۶۰)، در برابر ویروس مهاجم از خود مقاومت نشان می‌دهند و سلامت خود را حفظ می‌کنند. چون مدعی اسلامی‌بودن سازوکار جامعه هستیم، گاه به مفاهیم قرآنی اشاره می‌شود تا فاصله کیفیت زندگی اجتماعی ما با آن مفاهیم روشن شود. ابتدا از حوزه مربوط به جناب رئیس‌جمهور آغاز کنیم؛ قوه مجریه. تشکیل هیئت دولت، در واقع تشکیل اتاق فکر با افراد مجرب، عالم و متعهد است که شایستگی‌های خود را در فرازونشیب زندگی در رقابت اجتماعی نشان داده‌اند. اگر اعضای دولت متعهد و متخصص نباشند (حَفِیظٌ عَلِیمٌ، یوسف/۵۵)، افکار صواب و از نظر علمی منطبق بر امر واقع از آن ساطع نشده و مشکلات و مسائل مردم حل‌وفصل نمی‌شود. چون تصمیمات فاقد پشتوانه علمی لازم است (لَا تَقْفُ مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ، اسراء/۳۶)، شاهد تقویت بنیه اقتصاد ایران در سطح مورد انتظار نخواهیم بود (بُنیانٌ مَرصوصٌ، صف/۴).بعد از هیئت دولت، نوبت به همکاران نزدیک آنها می‌رسد، مانند معاونان وزرا و مدیران کل دستگاه‌های تابع. اینها نیز باید صلاحیت لازم را داشته و از نظام گزینش شایسته‌سالار عبور کرده باشند. آیا این روش در تشکیل دولت و کارگزاران نزدیک به آنها رعایت شده است؟ مثلا وزیر اقتصاد فعلی متخصص اقتصاد کلان است یا کارشناس ارشد مدیریت؟! به همان نسبت که اگر تخصص رعایت نشود، تصمیمات و سیاست‌های دولت دور از امر واقع و با حل مسائل و با تأمین مصالح جامعه فاصله می‌یابد؛ درمانگری، بهبود و توسعه اقتصاد ایران نیز با مانع مواجه می‌شود. کسانی که فاقد تخصص مقتضی هستند و مسئولیت می‌پذیرند، در واقع تعهد نیز ندارند. عملکرد دولت‌ها و دستگاه‌های حاکمیتی متأثر از اندیشه کارگزاران آنهاست؛ چراکه عمل تابع فکر است و اندیشه مقدم بر عمل. می‌دانیم عمل هر انسان فرع بر عقاید اوست (جوادی‌آملی، عبدالله؛ شریعت در آینه معرفت؛ مرکز نشر فرهنگی رجاء؛ ۱۳۷۲؛ ص۱۷۷)، بنابراین آنچه امروز در آن هستیم، نتیجه کارکرد بدون پشتوانه فکری است. صاحب فکر بودن مدیر در اداره مجموعه‌اش بسیار تأثیرگذار است؛ چون مشاوران، به‌خصوص در امور اجتماعی، آرای متنوعی دارند و باید بتوانند با جرح و تعدیل تصمیم بگیرند. یکی از معضلات در تشکیل دولت، ادبیات محدودنگری و توجه‌نداشتن به ظرفیت ملی است که سبب شده مدیرپرور نباشیم و با مهره‌های محدود مرتبط با خود به‌طور چرخشی کار کنیم. امروز بیش از نیمی از مدیران عالی‌رتبه در وزارتخانه‌ها و استانداری‌ها بازنشسته هستند و حاضر نیستیم از شخصیت‌های سالم و دانا که در مجموعه رفقا نیستند، استفاده کنیم.اما متأسفانه قوه مقننه دارای اعضایی است که پراکنده و بدون چیدمان تخصصی دور هم جمع می‌آیند. ظاهرا این پدیده‌ای ذاتی است؛ چون منتخب مردم هستند، اما آیا با همین وضعیت قابل بهسازی نیست؟ مثل کمیسیون‌های مرتبط با اقتصاد کشور، مانند: ۱. کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات، ۲. صنعت، معدن و تجارت، ۳. کشاورزی، ۴. عمران (مسکن و شهرسازی، راه و ترابری)، ۵. کمیسیون انرژی و ۶. کمیسیون اقتصاد؛ یا حتی بعضی از کمیسیون‌ها که ظاهرا در موضوع دورتری از اقتصاد هستند، مثل بهداشت و درمان، آموزش‌وپرورش و آموزش عالی، تحقیقات و فناوری عمده.

ادامه در صفحه ۵